

بسم الله الرحمن الرحيم

درسنامه سطح سه

موضوع: اسرار و معارف نماز

تهیه شده در موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

جلسه اوّل

شروع با داستان

قبل از این که وارد اصل بحث شویم اجازه بدهید یک قضیه جالبی را که برای یکی از دوستان پیش آمده برایتان نقل کنم. گفت: داشتیم نماز جماعت می خواندیم یکی از آشناها نشسته بود جلو جمعیت و داشت ما رو نگاه می کرد.

نماز که تمام شد گفت حاج اقا التماس دعا!

گفتم: نماز نمی خونی و دعا نمی کنی و از ما می خوای که برات دعا کنیم؟

گفت ما رفقا و فامیلای خوبی مثل شما داریم که هم سید (یا روحانی) هستند و هم نمازخون! در قیامت هوای ما رو دارند و ما رو شفاعت می کنند.

گفتم: انتظار داری من چون از نوادگان پیامبر و اهل بیتش هستم در قیامت اینقدر آبرو داشته باشم که شما رو شفاعت کنم؟ گفت بله!

گفتم: پس بذار داستانی رو برات تعریف کنم.

امام صادق علیه السلام وقتی آخر عمر شریفشون رسیده بود و در بستر بودند، فرمودند که بروید و همه اقوام و دوستان و آشنایان رو خبر کنید می خوام این لحظات آخر وصیت کنم و مطلب مهمی رو به همه بگم.

قضیه برای همه حساس شد که امام صادق که در تمام عمر با برکتشون روایات فراوانی رو نقل فرموده بودند و بیش از چهار هزار شاگرد تربیت کرده بودند، چه مطلب مهمی رو می خواند در این آخرین لحظات بفرمایند که دستور فرمودند همه بیان.

وقتی همه آمدند و جمع شدند هیچ کس حرف نمی زد و همه با دقت ایستاده بودند تا ببینند این چه مطلب مهمیه که امام به خاطر اون توی این لحظات آخر عمر همه رو جمع کردند؟

امام بالاخره شروع کردند به صحبت و فرمودند:

یادآوری: (در این بخش سعی کنید کلمات را محکم و تأثیر گزار بیان نمایید و بعد از گفتن هر کلمه از این روایت معنی آنرا از بچه ها پرسید)

والله! همه نفسها حبس شده، امام که حتی برای مسایل بسیار مهم دنیوی قسم نمی خورند، آنهم قسم به خدا و همه رو هم نهی می کنند که مبادا بی جهت به خدا قسم بخورند.

حتی نقل شده که روزی امام سجاد علیه السلام در دادگاهی برای گرفتن حقتشون حضور پیدا کردند و چون شاهد نداشت، قاضی به ایشان گفت که برای اینکه حقتون رو اثبات کنید، باید بر طبق قوائد قسم بخورید؛ ولی امام سجاد علیه السلام از حق خودشون گذشتند و گفتند: مقام خداوند بسیار بالاتر از اینه که من برای چیزهای دنیایی و اثبات حقم به اون قسم بخورم و از حق خودشون گذشتند.

حالا امام صادق عیه السلام در این آخرین لحظات عمر شریفشون خودشون کلامشون رو با قسم اونهم قسم به خدا شروع کردند.

امام ادامه دادند:

لَنْ؛ یعنی اصلا یا هرگز. خود آوردن کلمه لَنْ اول صحبت دلیل تاکید فراوان بر اون حرفه .

تَنْالُ؛ یعنی شامل نمی شود . چه چیزی شامل نمی شود؟

شَفَاعَتُنَا؛ شفاعت ما، وقتی حرف به اینجا رسید همه توی دلشون گفتند: وای شفاعت که همه امید ما در آخرت، شفاعت اهل بیته. اهل بیتی که در روایتی می فرماید که بر ساق عرش خدا نوشته **حَقِيقٌ عَلِيٌّ اِنْ اَكْرَمَ مَثْوَى جَعْفَرٍ**؛ به گردن من خداست که مقام امام جعفر صادق علیه السلام را گرامی بدارم؛ یعنی مثلا شفاعت او را بپذیرم.

آقا درباره شفاعت چه چیزی می خوان بفرمایند؟ چه کسی هست که شفاعت شامل او نمیشه؟ اون چه مطلب مهمیه و چه عمل مهمیه که اگر کسی اون رو انجام نده شفاعت امام شامل حالاش نمیشه؟

مستخفاً؛ کسی که سبک بشمارد. چه چیز را سبک بشمارد؟ یعنی اون چه چیز مهمیه که نه تنها انجام ندانش بلکه حتی سبک شمردنش باعث میشه که امام شفاعت نکنند؟ امامی که نماد همه مهربونیهاست، به تعبیر روایت **الامام الوالد الشفیق**؛ امام پدر مهربان مردم است. امام ابر بارنده است. و اهل بیتی که اگه آدم از همه جا ناامید بشه به اونها امیدواره.

چه چیزی هست که اونها رو اینقدر ناراحت می کنه و در حقیقت خدا رو اینقدر ناراحت میکنه که شفاعت؛ یعنی نگاه مهربان حق تعالی نسبت به اون آدم رو سلب میکنه؟ حتما باید مطلب مهمی باشه.

بالصلوه نماز، نماز؟ ... یعنی نماز اینقدر مهمه که اگر کسی نه که اون رو نخونه، بلکه حتی اگر بخونه، ولی سبک بگیره و یک خط در میون بخونه یا بد بخونه شامل شفاعت امام نمیشه؟ یعنی حتی اهل بیت مهربون کسی رو که نماز رو سبک می شماره نمیتونن شفاعت کنند؟

البته این حرف خیلی هم عجیب نیست چون خود خداوند بزرگ هم که مهربونی پیامبر و امامان ما تنها جلوه ای از مهربونی اونه توی کتاب خودش قرآن کریم فرموده که: **وَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ**؛ یعنی وای بر کسانی که به نمازی که می خونند.

اَلَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ یعنی کسانی که نسبت به نماز سهل انگارند و اون رو سبک می شمارند. یعنی، اونایی که نماز نمی خونند که هیچ، حتی اگر کسی بد هم نماز بخونه **وَيْلٌ** بر او. یعنی چی؟ ویل غیر از اینکه به معنای وای هست، اسم یکی از دره های جهنمه که بسیار وحشتناکه. خداوند مهربون هم از کسی که بد نماز بخونه نگذشته و اون رو تهدید کرده که وای بر کسانی که نماز رو سبک می شمارند.

یادآوری: (از بچه ها پرسید: کجای بحث بودم؟)

احسنت! داشتم قضیه دوستمون رو می گفتم که کسی که نماز نمی خوند، بعد از نماز بهش گفته بود: التماس دعا. گفت بعد از اینکه این داستان و در حقیقت روایت رو براش گفتم انگار که کسی آب سردی روی سرش ریخته باشه حاج و واج داشت نگاهم می کرد که ازش جدا شدم.

چند روایت پیرامون نماز

بگذارید قبل از اینکه وارد بحث بشم چند تا روایت قشنگ براتون بخونم که قدر نماز خوندنتون رو بدونید و بدونید که همین هفده دقیقه وقتی رو که برای نماز می گذارید، چه تأثیری روی زندگیتون می گذاره .

راستی بچه ها! چقدر در روز برای نماز وقت می گذارید؟ همین هفده دقیقه که گفتم؟ یا کمتر؟ با اینکه با وقت وضو و بقیه مقدمات هفده دقیقه؟ یا اینکه حتی با وجود اون مقدمات هم کمتر؟

روایت اول: من صلی رکعتین و یعلم ما یقول فیها انصرف و لا ذنب له؛ هرکس دو رکعت نماز بخواند و بداند که در نماز چه می گوید، وقتی نمازش تمام شد مثل کسی است که اصلاً گناهی ندارد.

یعنی نه تنها نماز خوندن ثواب داره، بلکه درست نماز خوندن باعث میشه که همه گناههای آدم پاک بشه و مثل کسی بشه که انگار تا حالا هیچ گناهی نکرده.

یک سؤال

بچه ها شما روزی چند بار میرید حموم؟ هر روز؟ هفته ای یک بار؟ هفته ای دو بار؟ حالا فرض کنید اگه روزی پنج بار حمام برید آیا باز هم کثیفی و چرکی در وجودتون می مونه؟

در یک روایتی خیلی زیبا این مطلب بیان شده و نماز به رودخانه ای (یا نهری) تشبیه شده که آدم در روز پنج بار خودش رو توی اون می شویه و در این صورت دیگه کثیفی و گناهی در روحش باقی نمی مونه.

روایت دوم: اگر خداوند متعال یک نماز را از کسی بپذیرد او را عذاب نخواهد کرد. یعنی ممکنه که آدم در طول زندگیش نمازهای زیادی بخونه ولی حتی اگه یکی رو کامل بخونه، به نحوی که حواسش جمع باشه و قصد قربتش کامل باشه و بدونه که چی بگه و در کل، جوری بخونه که خدا قبول کنه، حداقل مطمئنه که به جهنم نمیره و اگر بیشتر هم بخونه مقاماتش در بهشت بالا خواهد رفت.

مثال

تا حالا شده که بخواید که با آدم مهمی ارتباط برقرار کنید؟ مثلاً با مدیر مدرسه، رئیس اداره، فرماندار، یا استاندار؟ معمولاً آدم برای این کار دنبال یک واسطه می گرده؛ یعنی کسی که کمکش کنه تا بتونه با اون آدم ارتباط برقرار کنه. دنبال یک کانال ارتباطی می گردند.

در روایتی آمده که نماز دستگیره محکم خداست؛ یعنی کسی اگر بخواد به خداوند نزدیک بشه می تونه با دست آویز قرار دادن نماز، به خدا نزدیک بشه. مثل پله های یک نردبان که میشه به وسیله آنها به مکان بلندی رسید.

خیلی جالبه بعضی وقتا ما دنبال راهی می گردیم که یک جوری ارتباطمون رو با خدا خوب کنیم و خیال می کنیم که باید کارهای عجیب بکنیم و ذکرهای عجیبی و ویژه ای رو بگیم، ولی خداوند خودش این راه رو مشخص کرده.

داستان

نقل شده که ابو علی سینا وقتی در مسائل پیچیده گیر می کرد و نمی دونست که چطور باید اون رو حل کنه یا مطلبی رو نمی فهمید میرفت و دو رکعت نماز میخوند و به این وسیله ارتباط خودش رو با مبداء بزرگ قدرتمند و حکیم عالم برقرار می کرد و به این وسیله از او برای حل مشکلاتش کمک می گرفت.

معیار سنجش

یک نکته دیگر درباره نماز اینه که نماز معیار سنجشه؛ یعنی اگر بنا باشه که کسی را بسنجند که چطور آدمیه؟ یا کسی بخواد خودش رو بسنجه که چه نمره ای داره، بهترین راه اینه که نماز خوندنش رو ببینه؛ آگه درست نماز می خونه به خودش امیدوار بشه، ولی اگر درست نماز نمی خونه یا حواسش سر نماز جمع نیست، یا اینکه تند و بی حوصله می خونه، بدونونه که یک جای کار اشکال داره و باید یک بازنگری بکنه؛ چون بعضی وقتا آدم از خودش تصور درستی نداره و خیال می کنه که کارش خیلی درسته؛ ولی نماز معیار سنجش بسیار خوبیه.

عهد و پیمان الهی

در روایت هست که **الصلوه عهد الله**؛ نماز عهد و پیمان خدا با بندگانش است؛ یعنی کسی که می خواهد با خدا عهد و پیمان بندگی داشته باشد باید نماز بخواند و بی نماز، پیمانش را با خدا شکسته است.

مثال

نمی دونم تا حالا شده که با رفیقاتون سر یک موضوعی عهد ببندید و یا مثلا دست یا علی بدید که کسی از عهد خودش سرپیچی نکنه و مثلا رازی رو که بنا بوده که به کسی گفته نشه، نگه؟ حال اگر یکی از بچه ها این عهد رو بشکنه چه حسی به شما دست میده؟

یا مثلا با چند نفر قرار می دارید که یک کاری رو انجام بدید، ولی یکی به عهد خودش وفا نمی کنه. یا مثلا کسی به شما میگه که اگر کار خاصی رو انجام بدی من فلان قدر پول بهت میدم یا فلان جایزه رو برات می خرم و شما اون کار رو انجام می دید ولی او به عهدش وفا نمی کنه، چه حسی به شما دست میده؟ یکی از دلایلی که این قدر درباره نماز سفارش شده هم همینیه که نماز نخوندن، مثل شکستن عهد و پیمان با خداست و بسیار کار ناجوانمردانه ای است.

شما ببینید چند دقیقه برای خوردن وقت می گذارید؟ چند دقیقه برای تماشای تلوزیون، بازی کامپیوتری یا بقیه تفریحات وقت می گذارید؟ و از اون طرف ببینید که برای عهد و پیمان و قراری که با خدا دارید چقدر وقت می گذارید؟ این هم یک معیاره که ببینید که چقدر به عهد خودتون با خدا پایبندید.

ستون خیمه دین

در روایت دیگری آمده که نماز ستون دین است؛ یعنی نماز مثل ستون که خیمه رو ثابت نگه می داره دین آدم رو ثابت نگه می داره، یعنی اینکه اگر نباشه دیگه خیمه معنی نداره.

تمثیل

بچه‌ها! اگر توی امتحانات نهایی و خرداد همه درسها رو خوب بخونید و سر جلسه امتحان هم همه سؤالات رو درست جواب بدید، ولی روی برگه امتحانی اسم خودتون رو ننویسید، چه نمره ای به شما میدن؟ درسته، صفر میدن و دوتا خط هم دو طرفش می‌گذارند که نتونی یک عدد دو اولش بذاری و بگی بیست گرفتم.

خیلی سخته که آدم اینقدر تلاش کرده باشه، ولی آخر سال هیچ نمره‌ای بهش ندن. تحملش برای آدم خیلی سخته.

نتیجه گیری

بچه‌ها روز قیامت مثل چه روزی می‌مونه؟ (منتظر جواب بچه‌ها بمونید و بگذارید حدس بزنند). بله مثل روزی می‌مونه که کارنامه میدن. چون اونجا هم نتایج امتحانات دنیا رو مشخص می‌کنند و متناسب با اون به شما جایزه می‌دند یا تنبیه می‌کنند.

حالا اگر توی این دنیا آدم خوبی باشی و همه کارهای خوب رو انجام بدی؛ مثلاً به پدر و مادر محبت کنی، به فقرا کمک کنی، دروغ نگی، غیبت نکنی، تهمت نزنی، دزدی نکنی و خلاصه همه کارهای خوب رو انجام بدی و خلاصه همه سؤالات امتحان رو درست جواب بدی. ولی یک کارهایی هست که مثل نوشتن اسم روی برگه امتحانیه و اگر اونا رو انجام ندی، هر کار دیگه‌ای که بکنی هیچ فایده‌ای نداره. اون کارها چیه؟ (در اینجا منتظر جواب بچه‌ها باشید، بعد خودتون جواب بدید)

بله درسته، یکی محبت اهل بینه و یکی نماز.

برای همین هم هست که در یک روایتی از امام صادق علیه السلام داریم که **إِنْ قُبِلَتْ قُبِلَتْ مَا سِوَاهُ وَ إِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سِوَاهُ**؛ اگر نماز قبول بشه همه کارها دیگه قبول میشه و اگر نماز رد بشه همه کارهای دیگه رد میشه.

درباره نماز چند مطلب رو باید گفت: یکی احکام نماز، یکی آداب نماز، یکی هم اسرار عرفانی نماز که ان شاء الله در جلسه آینده اگر رسیدیم کمی درباره اونها صحبت می‌کنیم.

والسلام

مؤسسه یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه

معاونت پژوهش

به کوشش حجت الاسلام والمسلمین میر محمدیان